



موقع امتحان الهی عیار مدعیان مشخص می شود

یعنی مکلفی نیست در عالم که تحت آزمایش خدا و امتحان او نباشد. ما امروز درباره خودمان و مسئولین کشور خودمان و ملت محترم خودمان عرض می کنیم، هر کس در هر مقامی که هست و هر مسئولیتی که دارد همان مقام و همان مسئولیت امتحان اوست. امتحان مثلاً رئیس محترم جمهوری، همان ریاست جمهوری است که آیا در این مقامی که هست چه می کند، افکار او چیست، اخلاق او در این زمینه چیست و اعمال او چیست و حتی خطرات قلب چیست، چیزهایی که در قلبش عبور می کند و می گذرد اینها چیست و همین طور تمام مسئولین، مجلسی ها، آنهایی که در مجلس هستند، آنها هم همان کرسی مجلس محل امتحان آنهاست که اینها در این کرسی که نشسته اند افکارشان چی هست و اقوالشان چی هست و آرائشان چی هست، و آیا این کرسی، کرسی اسلامی است و برای اسلام است یا این که این طور نیست. در همان جا محل آزمایش است. و همین طور دولت محل آزمایش اش در همان وزارتخانه ای است که هست، در همان جایی که نخست وزیر هست و اهل ادارات در همان ادارات خودشان مرکز امتحان آنهاست. ارتشی ها در مقام قدرت ارتشیشان امتحان می شوند، محل امتحانشان همان محلی است که به فعالیت ارتشی مشغولند و سپاه پاسداران مان در همان محلی که هستند، قدرت در دستشان آزمایش است، تفنگ در دستشان آزمایش است. و همه کسانی که دارای یک ابزاری هستند برای خدمت، همان ابزار آزمایش آنهاست. و همینها هستند که در آن عالم منعکس می کنند اعمال ما را.^۱

ملت ایران بیشتر از همه ملتها در معرض امتحانند

در همین جا که هستید در تحت آزمایش هستید و اعمالتان منعکس می شود. باید توجه کنید که این چیزهایی که منعکس می شود یک وقت خدای نخواستہ چیزی نباشد که آن روز که منعکس شد در آن جا و شما او را دیدید موجب سرافکندگی باشد. الان ایران از همه جا به نظر می رسد که اهالی ایران از همه جا بیشتر مورد آزمایش اند. اهالی ایران از یک رژیمی که همه می دانید چکاره بود، با قدرت ملت و دستهای گره کرده مشت های گره کرده، در حالی که ابزاری در دست نداشت آن وقت، با فریاد، آن رژیم را از بین برد، و با همان فریادها دست آمریکا را و سایر قدرت ها را از کشور

نوشتار حاضر منتخبی از فرمایشات امام خمینی علیه السلام است که به ملازم بودن زندگی انسان در این دنیا با امتحانات و آزمایش های الهی تأکید دارد.



ملازم بودن وجود انسان با امتحان

بعضی وقتها انسان متحیر است که با این منظره هایی که مواجه است چه بگوید. من الان در مقابلم عکس هایی از شهدا می بینم، و در آن تابلو نوشته بود که خانواده های شهدای دزفول آمده اند و جمعی هم از عشایر محترم خرم آباد و از اهالی خرم آباد آمده اند، و در آن کنار هم کودکان موسویه تهران آمده اند. و با دیدن این منظره ها چه باید بگوییم؟ انسان در این دنیا، هر انسانی که باشد از انسان های بزرگ - مثل انبیا و اولیا - تا هر جا که برسد، مورد امتحان است. امتحان ملازم با وجود انسان است و هیچ انسانی بدون امتحان نخواهد در این عالم زیست کند. گاهی امتحان به خوف، به جوع، به نقص در اموال و انفس، به نقص در ثمرات و امثال اینهاست..... این یک امتحانی است الهی برای آزمایش ما و شما. گاهی امنیت مورد آزمایش است. انسان را گاهی به ناامنی و خوف امتحان می کنند و گاهی به امنیت و اطمینان، گاهی به نقص در ثمرات و انفس. جوان ها را از انسان می گیرند، برادرها را می گیرند، و بچه ها و زن ها را به این راه امتحان می کنند. و گاهی به زیاد کردن ثمرات، زیاد کردن اموال، توسعه دادن و امنیت اعطا کردن امتحان می کند.^۱

همه امتحان می شویم

بشر در امتحان واقع است. با ادعای این که من مؤمن هستم رها نمی شود. پیغمبرهای بزرگ امتحان شدند. ابراهیم خلیل علیه السلام - در آن قضیه حیرت انگیز امر به این که باید اولاد را ذبح کنی امتحان شد. پیغمبرهای بزرگ، اولیای بزرگ امتحان شدند. حضرت سیدالشهدا - سلام الله علیه امتحان شد. اولاد و احفاد او هم امتحان شدند و همه ماها هم امتحان می شویم. و همه بشر هم امتحان خواهند شد. و امتحان به امنیت و دارایی و ثروت و ریاست و امثال ذلک بزرگتر است از امتحان در نفس، اولاد و انفس.^۲ مبتلا بودن همه به امتحانات الهی
ما و شما و همه اهل دنیا همه برادران ایرانی ما در معرض امتحان هستیم.



خودش قطع کرد که امروز کشور شما دست خودتان است. نه یک کسی بالای سر شماست که بخواهد به شما حکومت کند، نه مستشاری از کشورهای دیگر دارید و نه کارشناسان.^۴

با ادعا نمی توان در امتحان پیروز شد

چه بسا اشخاصی که ادعا می کنند که ما مؤمن هستیم، لکن وقتی که امتحان می شوند معلوم می شود که فقط ادعا بوده. و چه اشخاصی که ادعا می کنند که ما طرفدار ضعفا هستیم لکن وقتی که امتحان می شوند از امتحان درست در نمی آیند. و چه اشخاصی که ادعا می کنند که اگر [برای] ما صفحه جنگ پیش بیاید پیش قدمیم، و در وقت عمل از امتحان درست در نمی آیند. شما دزفولی ها و اهوازی ها و سوسنگردی ها امتحان دادید و خوب از امتحان بیرون آمدید.^۵

پیروزی در امتحان و بشارت به صابرين

خدای تبارک و تعالی می فرماید: **بَشِّرِ الصَّابِرِينَ** آنهایی که صبر می کنند، به آن‌ها بشارت بده. آنهایی که در مصیبت‌ها، در نقص ثمرات، در نقص انفس، در نقص اولاد، صابر هستند و می گویند که: **أَنَا لِلَّهِ وَ أَنَا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ** ما از خدا هستیم و به او برمی گردیم، از او هستیم و به او رجوع می کنیم. جوان‌های ما از خدا هستند و در راه خدا فداکاری کردند و به خدا مراجعت می کنند. انسان اگر هرچه دارد بفهمد که از خداست، اگر زندگی دارد خدا به او داده است، و اگر اولاد دارد خدا به او اعطا کرده است، و اگر ثروت دارد خدا به او اعطا کرده است، و همه چیز را خدای تبارک و تعالی عطا فرموده است، اگر دل انسان به این معنا ایمان بیاورد و اطمینان به این معنا داشته باشد، چیزی که امانت الهی است، به خدا برگرداند. اولادها اماناتی هستند از خدا، زن و فرزند امانتهایی هستند از خدا، دارایی‌ها امانتهایی هستند از خدا و به او رد شده است. و ما از خدا هستیم و به سوی او رجوع می کنیم. اگر امتحان را درست دادیم و همان طوری که اولیا و انبیا امتحان دادند ما هم به آن‌ها اقتدا کردیم، مورد آن بشارت هستیم که خدای تبارک و تعالی می فرماید و به آن‌ها رحمت می فرستد، مغفرت می فرستد و آن‌ها را اصحاب هدایت می داند. این امتحان آسان‌تر است از آن امتحان‌هایی که دولتمردان را خدا امتحان می کند. چه بسا از این رؤسای جمهوری که در دنیا هستند، مدعی احترام به حقوق بشر هستند. قبل از رسیدن به مقام ریاست جمهور مدعی آزادی خواهی، مدعی دوستی با بشر، مدعی خواستاری رفاه بشر هستند. لکن وقتی که می رسند به مسند و امتحان می کند خدای تبارک و تعالی آن‌ها را، نمی توانند از امتحان بیرون بیایند. به جای طرفداری از حقوق بشر، بشر را به تباهی می کشند. به جای طرفداری از ضعفا، ضعفا را به هلاکت می رسانند. همان طوری که در آن طرف **بَشِّرِ الصَّابِرِينَ** است به رحمت و مغفرت و حیات ابدی، برای این‌ها هم بشارت به عذاب الیم است: بشارت به ننگ است.^۶

موقع امتحان الهی عیار مدعیان مشخص می شود

باید امتحان بشویم. مجرد دعوی این که من خداخواه هستم، من آزادی خواه هستم، من حقوق بشر را مراعات می کنم، من اگر به ریاست جمهوری، به حکومت، به نخست‌وزیری، به رئیس مثلاً قبیله، به ریاست عشایر برسم با مردم رفتار خوب می کنم و مردم را به آزادی و رفاه دعوت می کنم و خودم هم همین طور هستم، مجرد دعوا پذیرفته نیست. وقتی که داده شد آن منصب به آن شخص، رسید به آن منصب، آن وقت است که مطالعه در حال او باید کرد ادعا نمی شود کرد که من ادعا کنم که من یک ملایی هستم و مردم دوست هستم. وقتی که رسیدی به منصب، آن وقت ببین چه هستی.^۷

سخت‌ترین امتحان، امتحان در ریاست است

الآن همه این رؤسای رئیس جمهور، نخست وزیر، رئیس مجلس، رؤسای دادگاه‌ها، رؤسای همه استان‌ها، حکومت‌ها، فرماندارها، استاندارها، همه این‌ها در معرض امتحان‌اند. و این امتحان از امتحان در نقص اولاد و انفس بالاتر است. امتحان مردم به ریاست، به ریاست در هر مقام، به رسیدن به هر مقام، این امتحان سخت‌تر است از امتحان در نقص اولاد و انفس. و مشکل‌تر است که انسان بتواند از این امتحان نجات پیدا کند، و درست امتحان بدهد در معرض اعمالی که می کند و در پیشگاه خدا آبرومند باشد. رؤسا هر جا هستند، در هر کشوری هستند، دولتمردان در هر کشوری که هستند و در هر جا که هستند باید بدانند که رسیدن به این مقام، امتحانی الهی بوده است و سخت امتحانی است. خودشان توجه کنند به این که قبل از رسیدن به این مقام و بعد از رسیدن به این مقام، چقدر در حالشان تفاوت حاصل شده است.^۸

فردا همه باید حساب پس بدهید

بیدار بشویم ما! دولتمردان بیدار بشوند! استاندارها بیدار بشوند! دادگاه‌ها بیدار بشوند! ما دعوی شیعه‌گری را می کنیم. ادعا هست که ما شیعه و تابع هستیم. در مقام امتحان، باز شیعه هستیم؟ تبع هستیم آن طوری که او هست؟ به اندازه‌ای که وسعت وجودی ما هست تبعیت می کنیم؟ با دوستانمان، با رفقایمان، با هم‌کیشانمان، با بشر آن طور رفتار می کنیم؟ همه ما در محضر خدا هستیم و همه ما خواهیم مرد، و همه ما خواهیم حساب پس داد. بیدار بشوید ملت! بیدار بشوید دولت! همه بیدار باشید! همه‌تان در محضر خدا هستید. فردا همه باید حساب پس بدهید. از روی خون شهدای ما نگذیرید بدون نظر، و برای مقام دعوا نکنید باهم.^۹

مسئولین بیش از دیگران در معرض امتحان هستند

حکومت کردن بر یک جامعه‌ای، بزرگترین آزمایشی است که خدای تبارک و تعالی از بشر می‌کند. حکومت کردن اگر حکومت کردن اسمش باشد، باصلاح حکومت کردن بر یک هم‌چو جامعه‌ای که خون خودش را در راه اسلام و در راه کشور اسلامی دارد می‌دهد، و جوانان برومندش را دارد فدا می‌کند؛ از کارهای بسیار مشکل و از امتحانات بسیار مشکل است. ای رؤسا! شماها در معرض امتحان درآمده‌اید، و اعمال شما دقیقاً تحت نظر خدای تبارک و تعالی است. توجه بکنید به این ملتی که به این‌طور همراهی با شما می‌کند. ای پاسداران! ای ارتشیان! ای ژاندارمری! وای سایر قوای مسلح نظامی و انتظامی! وای رؤسای هر جا که هستید، هر قبیله که هستید وای همه استاندارهای سرتاسر کشور! در معرض امتحان هستید. مبادا با خون این‌ها برای خودتان بخواهید مقامی درست کنید. خدا نکند که شماها بخواهید دیگران، خون خودشان را بدهند و شما مقامتان بالاتر برود. خدا نکند که یک هم‌چو حیوانی در باطن شما باشد و شما خیال کنید انسانید.^{۱۲}

بشر در معرض امتحان است

بشر در معرض امتحان است. أَحَسَبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ شما گمان می‌کنید، مردم گمان می‌کنند که همین که گفتند من مؤمنم رهایشان می‌کنند؟ امتحانشان نمی‌کنند؟ همین که گفتید ما آزادی خواهیم رهایتان می‌کنند؟ بر مسند می‌نشانند تا بفهمند که راست می‌گویید یا نه و بفهمانند. به مجرد این که ادعا کردید که من برای این ملت و برای این کشور خدمت‌گزارم، رها می‌شوید؟ امتحان خواهید شد و در امتحان هستید. از من طلبه تا تمام افراد این مملکت و تمام افراد بشر و تمام انبیا و اولیا، همه در معرض امتحان‌اند، به ادعا و گفتار رها نمی‌شوند. فرموده است که: «سابقین را ما امتحان کردیم تا این که معلوم بشود کی مؤمن است و کی منافق».^{۱۱}

عالم، محضر خداست

قلم‌های در روزنامه‌ها، دست‌هایی که این قلم‌ها به دستشان است، آن‌هایی که در رادیو - تلویزیون و در سایر جاها سخنرانی می‌کنند همه مورد امتحان خدا هستند. آن وقتی که قلم به دست می‌گیرید بدانید که در محضر خدا، قلم دست گرفته‌اید. آن وقتی که می‌خواهید تکلم کنید بدانید که زبان شما، قلب شما، چشم شما، گوش شما در محضر خداست. عالم محضر خداست. در محضر خدا معصیت خدا نکنید. در محضر خدا با هم دعوا نکنید سر امور باطل و فانی. برای خدا کار بکنید و برای خدا به پیش بروید. اگر ملت ما برای خدا و برای رضای پیغمبر اکرم به پیش برود، تمام مقاصدش حاصل خواهد شد. خداوند ما و شما را از این امتحان بزرگ، سرفراز و روسفید بیرون بیاورد. خداوند تمام افراد ملت ما را آبرومند کند. خداوند این نهضت را متصل به نهضت امام زمان - سلام الله علیه - بکند. خداوند دشمنان ما را هدایت کند.^{۱۳}

امتحان و ابتلا موجب اتمام حجت

بعث رسل و نشر کتب آسمانی، همه برای امتیاز بشر و جدا شدن اشقیاء از سعدا و مطیعین از عاصین است. و معنی امتحان و اختیاب حق همین امتیاز واقعی خود بشر است از یکدیگر، نه علم به امتیاز؛ زیرا که علم حق تعالی ازلی و متعلق و محیط به هر چیز است قبل از ایجاد. و حکما در تحقیق امتحان و ابتلا بسط کلام داده‌اند که ذکر آن خارج از میزان است. پس، نتیجه‌ی امتحان مطلقاً - که این دو که ذکر شد از بزرگترین آن‌ها است - امتیاز سعید و شقی است. در این امتحان و اختیاب نیز حجت خدا بر خلق تمام شود و هلاکت و شقاوت و سعادت و حیات هر کسی از روی حجت و بینه واقع گردد و راه اعتراض باقی نماند.^{۱۴}

امتحان به وسیله‌ی نعم الهی

نعمت‌های خدا امتحان است برای بندگان خدا. ببینیم که آیا این نعمتی که خدا به ما عنایت کرده است، این نعمت را کفران می‌کنیم، یا شکر این نعمت را می‌کنیم.^{۱۵}

بلایا عامل روی گردانی از دنیا و توجه به آخرت

اگر انسان از این عالم هر چه دید بلیات و آلام و اسقام و گرفتاری دید و امواج فتنه‌ها و محنت‌ها بر او رو آورد، قهراً از آن متنفر گردد و دل‌بستگی به آن کم شود و اعتماد بر آن نکند. و اگر به عالم دیگری معتقد باشد و فضای وسیع خالی از هر محنت و المی سراغ داشته باشد، قهراً بدانجا سفر کند. و اگر سفر جسمانی نتوان کرد، سفر روحانی کند و دلش را بدانجا فرستد. و پر واضح است که تمام مفاسد روحانی و اخلاقی و اعمالی از حب به دنیا و غفلت از حق تعالی و آخرت است. و حب به دنیا سر منشأ هر خطیئه است؛ چنانچه تمام اصلاحات نفسانی و اخلاقی و اعمالی از توجه به حق و دار کرامت آن و از بی‌علاقگی به دنیا و عدم‌رکون و اعتماد به زخارف آن است.^{۱۵}

مومنین بیشتر از بقیه در معرض ابتلا نیستند

حق تعالی عنایت و الطافش به هر کس بیشتر باشد و مراحم ذات مقدس شامل حال هر کس زیادتیر باشد، او را بیشتر از این عالم و زخارف آن پرهیز دهد، و امواج بلیات و فتن را بر او بیشتر متوجه فرماید، تا این که روحش از این دنیا و زخارف آن منصرف و منزجر گردد و به مقدار ایمانش رو به عالم آخرت رود و وجهه قلبش متوجه به آن‌جا گردد. و اگر نبود از برای تحمل شدت ابتلا مگر همین یک جهت، هر آینه کفایت می‌کرد.^{۱۶}

ابتلای بندگان عامل انقطاع به مقام حق تعالی و انس با او

دیگر از نکات شدت ابتلای بندگان خاص این است که آن‌ها در این ابتلا و گرفتاری‌ها به یاد حق افتند و مناجات و تضرع در درگاه قدس ذات مقدس نمایند و مأنوس با ذکر و فکر او گردند. و طبیعی این نوع بنی‌الانسان است

در عین حال منافات ندارد که فضل فقراى مسلمین پیش حق تعالی نیز بیشتر باشد؛ چنانچه از روایات معلوم شود.^{۱۶}

برخی بلايا معلول عمل انسان است

کیفر این اعمال و کردار مفسده انگیز شما تنها به عالم دیگر محدود نمی‌گردد، در این دنیا نیز با مشکلات، مصایب و گرفتاری‌های شدید و گوناگون دست به گریبان بوده، در گرداب بلا و تیره‌بختی خواهید افتاد.^{۲۰}

که در وقت بلیات تشبث به هر رکنی که احتمال نجات در او دهند پیدا می‌کنند، و در وقت سلامت و راحت غفلت از آن پیدا می‌کنند؛ و چون خواص رکنی جز حق سراغ ندارند، بدان متوجه شوند و انقطاع به مقام مقدس او پیدا کنند. و حق تعالی از عنایتی که به آن‌ها دارد، خود سبب انقطاع را فراهم فرماید. گر چه این نکته، بلکه نکته سابقه، نسبت به انبیا و اولیای کامل درست نیاید؛ چه که آن‌ها مقامشان مقدس‌تر از آن است و قلبشان محکم‌تر از آن است که به این امور علاقه به دنیا پیدا کنند، یا در توجه و انقطاعشان به حق فرقی حاصل شود.^{۱۷}

ابتلا، یگانه راه نیل به برخی درجات

از نکات شدت ابتلاء مؤمنین آن است که در اخبار به آن اشاره شده است که از برای آن‌ها درجاتی است که به آن‌ها نیل نشوند مگر با بلیات و امراض و آلام. و ممکن است این درجات صورت اعراض از دنیا و اقبال به حق باشد؛ و ممکن است از برای خود این بلیات صورت ملکوتی باشد که نیل به آن‌ها نشود مگر با ظهور در عالم ملک و ابتلای آن‌ها به آن.^{۱۸}

تمام مرحمت‌ها برای اصلاح حال مؤمن است

هر چه حق تعالی به مؤمنین مرحمت می‌فرماید، از غنا و فقر و صحت و سقم و امنیت و وحشت و دیگر امور، برای اصلاح حال مؤمنین و تخلیص حالت قلوب آن‌هاست... حق تعالی به رحمت واسعه و فضل عمیم خود مثل یک طبیب معالج و پرستار عطوف است که هر کس را به طوری از دنیا پرهیز می‌دهد. گاهی به یکی ثروت می‌دهد و در عین حال به حسب شدت و ضعف و کمال و نقص ایمان او، او را مبتلا به بلاهای دیگر می‌کند؛ بلکه ثروت و غنا را برای او طوری محفوف به بلیات می‌کند که او را از دنیا و حب او منصرف می‌کند. مزاج این شخص طوری است که اگر او را فقیر کند، به واسطه‌ی آن که سعادت را در مال و منال شاید می‌بیند و اهل دنیا را سعید می‌داند، متوجه به دنیا می‌شود و در تحصیل آن به هلاکت ابدی می‌افتد. ولی وقتی آن را در دسترس او گذاشت و برای شیفته نشدن آن محفوف کرد آن را به زحمات و صدمات خارجی و داخلی، از دنیا منصرف شود... پس خدای تعالی گاهی مؤمنین را به فقر مبتلا می‌کند و آن‌ها را اصلاح می‌کند و قلوب آن‌ها را از دنیا منصرف می‌فرماید و دلداری از آن‌ها می‌نماید؛ و گاهی به غنا و ثروت مبتلا می‌کند و در عین حال که انسان گمان می‌کند در عیش و نوش دنیا و سرور و سرور هستند آن‌ها در فشار و زحمت و ابتلا و مصیبت گرفتارند. و

باید امتحان بشویم. مجرد دعوی

این که من خدا خواه هستم، من

آزادی خواه هستم، من حقوق

بشر را مراعات می‌کنم، من اگر به

ریاست جمهوری، به حکومت، به

نخست‌وزیری، به رئیس‌مثلاً قبیله، به

ریاست‌عشایر برسم با مردم رفتار خوب

می‌کنم و مردم را به آزادی و رفاه

دعوت می‌کنم و خودم هم همین‌طور

هستم، مجرد دعوا پذیرفته نیست. وقتی

که داده شد آن منصب به آن شخص،

رسید به آن منصب، آن وقت است که

مطالعه در حال او باید کرد ادعا

نمی‌شود کرد که من ادعا کنم که من

یک ملایی هستم و مردم دوست هستم.

وقتی که رسیدی به منصب، آن وقت

بین چه هستی.

پی‌نوشت‌ها

۱. صحیفه امام، جلد ۱۳، ص ۴۵۴
۲. صحیفه امام، جلد ۱۳، ص ۴۵۵
۳. صحیفه امام - جلد ۱۸، ص ۳۰۷ و ۳۰۸
۴. صحیفه امام - جلد ۱۸، ص ۳۰۸
۵. صحیفه امام، جلد ۱۳، ص ۴۵۵
۶. صحیفه امام، جلد ۱۳، ص ۴۵۶ و ۴۵۷
۸. صحیفه امام، جلد ۱۳، ص ۴۵۷ و ۴۵۸
۹. صحیفه امام، جلد ۱۳، ص ۴۵۸ و ۴۵۹
۱۰. صحیفه امام، جلد ۱۳، ص ۴۵۹ و ۴۶۰
۱۱. صحیفه امام، جلد ۱۳، ص ۴۶۰
۱۲. صحیفه امام، جلد ۱۳، ص ۴۶۱
۱۳. عدل الهی از دیدگاه امام خمینی، ص ۱۴۷ و ۱۴۸
۱۴. عدل الهی از دیدگاه امام خمینی، ص ۱۴۹
۱۵. عدل الهی از دیدگاه امام خمینی، ص ۱۵۱ و ۱۵۲
۱۶. عدل الهی از دیدگاه امام خمینی، ص ۱۵۲
۱۷. عدل الهی از دیدگاه امام خمینی، ص ۱۵۳
۱۸. عدل الهی از دیدگاه امام خمینی، ص ۱۵۴
۱۹. عدل الهی از دیدگاه امام خمینی، ص ۱۵۵
۲۰. عدل الهی از دیدگاه امام خمینی، ص ۱۵۶